

راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران

مهر داد محمودی^۱

چکیده

دریاهای جنوبی ایران دریچه ایی بسوی سایر بخش های جهان و واسط میانجی برای اندرکنش ایران با دیگر کشورها می باشند. نوار ساحلی طولانی و بندرگاه های مناسب در خلیج فارس و دریای عمان امتیازی منحصر بفرد برای تجارت جهانی محسوب می گردند. از اینرو، حضور قدرتمند دریایی در این منطقه از الزامات حیاتی در گسترش حوزه ژئوپلیتیکی کشورمان است. اهمیت ژئوپلیتیکی دریاهای جنوبی برای ایران، بعنوان دهلیز دسترسی جهان به منابع عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس، از چارچوب منطقه ایی فراتر می رود و ابعاد جهانی به خود می گیرد. بنابراین ایران می بایست بجای ورود به ائتلاف های سیال و شکننده نظامی با قدرت های منطقه ایی، رویکرد توازن قوا را برگزیند. مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان در فضای ژئوپلیتیکی ایران قرار گرفته و می بایست تلاش قدرت های منطقه ایی برای نفوذ به آن را مهار و خنثی نماید. بدون رویکرد دریایی در تعریف اولویت های ژئوپلیتیکی، ایران بصورت یک کشور ضعیف و محصور در خشکی در خواهد آمد و بدین ترتیب دهلیز تنفس آن بسته و پویایی حیاتش در جهان متغیر و رقابت آمیز کنونی،



کاهش خواهد یافت. از اینرو، بایسته است تا کشورمان با گسترش منطقه نفوذ قدرت دریایی از خلیج فارس به دریای عرب، فضای ژئوپلیتیکی خود را بسوی اقیانوس هند گسترش دهد. در این مقاله تلاش شده است تا راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران مورد کنکاش قرار گیرد.

واژه های کلیدی: راهبرد دریایی، اقیانوس هند، قدرت دریایی، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی

مقدمه

با پیروزی ابر تمدن دریایی بر ابر تمدن قاره ای و پیدایش نخستین بارقه های نظم نوین جهانی، "زمیندل"^۱ به عرض های جغرافیایی جنوبی انتقال یافته است. از اینرو در جهان کنونی سهولت تحرک در دریا و سیادت دریایی مافوق قدرت قاره ای محسوب می گردند. عمق استراتژیکی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در دریا عینیت پیدا میکند و منافع ملی آنها از مرزهای جغرافیایی اشان فراتر رفته و در منطقه خلیج فارس و دریای عمان^۲ با منافع کشورمان تلاقی پیدا مینماید. تاریخ نشان داده است که ضعف در دریا نه تنها فرصتهای تاریخی را از ما سلب نموده بلکه تهدیدات جدی را بر کشورمان تحمیل نموده است. بدون رویکرد دریایی در تعریف اولویت های ژئوپلیتیکی، ایران بصورت یک کشور ضعیف و محصور در خشکی در خواهد آمد و بدین ترتیب دهلیز تنفس آن بسته و پویایی حیاتش در جهان متغیر و رقابت آمیز کنونی، کاهش خواهد یافت.

^۱ - Heartland

^۲ - در اسناد تاریخی، از این دریا با نام ایرانی "دریای مکران" یاد شده است.

با نگرش به آرایش ناهمگون جغرافیایی منطقه اقیانوس هند، شکنندگی سامانه امنیتی آن، تحولات شتاب آلود، شکل گیری نظم نوین جهانی، ظهور مفاهیم نوین ژئوپلیتیکی، اهمیت روزافزون خلیج فارس و حضور قدرتهای فرا منطقه ایی در آن، تقویت بنیه دریایی بازیگران منطقه ایی قدرت و حضور روزافزون آنها در دریای عرب، اهمیت رویکرد دریایی در تعریف اولویت های ژئوپلیتیکی کشورمان بیش از پیش نمایان می گردد.

۲- برخورد ابر تمدن های دریایی و قاره ایی:

ژئواستراتژی بر این اندیشه استوار گردیده است که بین شرق (اوراسیسم^۱) و غرب (آتلانتیسم^۲) تضادی پایدار وجود دارد. تضادی مانند آنچه بین روم و کارتاژ، آتن و اسپارطا در دوران باستان و همچنین بریتانیا و اروپای قاره ایی در زمان معاصر وجود داشته و دارد. ژئواستراتژیست ها بر این باورند که ویژگی های هر تمدن، بمیزان قابل توجهی توسط جغرافیا، شرایط اقلیمی و ساختار فضای زیستی - اکولوژیکی آن تعیین می گردد. مردمان جزیره ایی - ساحلی و تمدن های دریانورد، جوامعی پویا، مبتکر، خلاق و مخترع را می آفرینند و ستاره آرمانی آنها در مدار فرد گرایی، خود پرستی و اغناء مادی می چرخد. برعکس، مردمان ساکن خشکی جلگه ها، دشتهای، جنگلها و برهوت عمق قاره ها، مردمانی ایستا، محافظه کار و ذهن گرا اما در عین حال متهور و جمع گرا هستند. قطبش بین غرب و شرق، دریا و خشکی، جزیره و قاره، آتلانتیسم و اوراسیسم، دینامیک خطوط بنیادین سیاست جهانی را تعریف می نمایند. آتلانتیسم و اوراسیسم همواره در تضادی ابدی با یکدیگر می باشند و از

¹ -Eurasism

² -Atlantism

دو دیدگاه مانع‌الجمع به جهان و آینده آن می‌نگرند. این تقابل دو جانبه نیروی رانش تحولات تاریخی در قرن بیستم بود. از این جهت بود که استراتژیست آمریکایی فرانسیس فوکویاما^۱ بگونه‌ای شتاب‌آلود، فروپاشی یکی از قدرتهای جهان دو قطبی را " پایان تاریخ " نامید.

ایالات متحده آمریکا بعنوان یک تمدن دریایی، آشکارا خود را برنده تنازع بقاء در برخورد این دو دیدگاه متنافر (آتلانتیسم و اوراسیسم) می‌داند و از آن بعنوان نقطه اوج برتری تمدن دریایی یاد می‌کند. این کشور پس از جنگ جهانی دوم جایگزین بریتانیا شد و نقاط استراتژیکی پهنه اقیانوس‌ها را برای کنترل قلمروهای ساحلی و جزیره‌ای کره خاک در اختیار گرفت. عرف متداول سنت ژئواستراتژیکی آمریکا و نژاد انگلو-ساکسون (از ماهان و مکیندر تا اسپایکمن، برژینسکی و وولفویتس) به سیاست کلان خارجی، از منظر آتلانتیسم می‌نگرد و گام‌بگام در مسیر پیروزی نهایی " سیادت دریایی " و جهانی سازی ارزش‌های تمدنی-فرهنگی‌اش پیشروی می‌نماید.

تحولات شتاب‌آلود کنونی و شکل‌گیری نظم نوین جهانی چالشهای فراوانی را پیش روی بازیگران قدرت نمایان خواهد ساخت و جهانی سازی از طریق رویکرد دریایی، نیروی محرکه تحولات جهانی در قرن بیستم و یکم خواهد بود. (منبع ۱)

۳- منطقه ژئوپلیتیک اقیانوس هند:

پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، منطقه اقیانوس هند یک بار دیگر در خط مقدم صحنه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی جهان قرار گرفته است. بررسی گسترده و دقیق آرایش جغرافیایی این اقیانوس نشان می‌دهد که

چرا این منطقه، این چنین ناپایدار بوده و در آینده قابل پیش بینی، صلح و امنیت منطقه ایی در معرض خطر می باشند.

منطقه اقیانوس هند از نظر سیاسی، منطقه ایی هرج و مرج زده است و با چالشهایی در زمینه صلح و امنیت و احتمال بالای بی ثباتی مواجه می باشد. ویژگی نا آرام اقیانوس هند، زمانی برجسته تر می نماید که دریابیم، این منطقه مهمترین منبع انرژی در سطح جهان است و مسیر ارتباطی اروپا، آسیا و آمریکای شمالی به خلیج فارس یعنی حیاتی ترین آبراه بین المللی، از آن می گذرد. از این رو از دهه ۹۰، توجه صاحبان ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی بیش از پیش به آن جلب شده است. چالشهای مرتبط با امنیت، ثبات و صلح معطوف به نا آرامیها، جنگهای داخلی و برخورد کشورهای منطقه می باشد.

۱-۳- گونه شناسی^۱ منطقه اقیانوس هند:

از نظر گونه شناسی، ۵۶ کشور منطقه اقیانوس هند در تقسیم بندی زیر قرار می گیرند:

الف - کشورهای ساحلی:

- ۱- کشورهای ساحلی در حاشیه بدنه اصلی اقیانوس هند.
- ۲ - کشورهای ساحلی در زیر شاخه های اقیانوس هند شامل حوزه خلیج فارس و دریای سرخ.
- ب - کشورهای محصور در خشکی:
- ۱ - کشورهایی که دسترسی آنها به اقیانوس هند از طریق یک کشور ساحلی امکان پذیر است.

^۱ - Typology

۲ - کشورهای آسیای میانه که مجموعاً یک زیر گروه منطقه ایی ژئوپلیتیک را تشکیل می دهند.

پ - مناطق جزیره ایی متعلق به فرانسه، بریتانیا، استرالیا، هند، آفریقای جنوبی و یمن.

منطقه اقیانوس هند به هشت منطقه ژئوپلیتیک شامل کشورهای آسیای جنوب شرقی، شبه قاره هند، آسیای میانه، خلیج فارس، شاخ آفریقا، آفریقای شرقی، جنوب آفریقا و جزایر جنوبی تقسیم می گردد. (شکل ۱)

۲-۳ - چالش های منطقه ژئوپلیتیک اقیانوس هند:

منطقه اقیانوس هند ۲۰/۷٪ کل مساحت کره زمین، ۲۳/۲٪ مساحت خشکیها و ۳۸/۴٪ جمعیت جهان را دربرمی گیرد. علاوه بر آن، علی رغم اینکه اکثریت کشورهای منطقه در زمره کشورهای در حال توسعه محسوب می گردند، از اهمیت اقتصادی و استراتژیکی قابل توجه ایی برخوردار هستند و اهمیت ژئوپلیتیک کشورهای ساحلی آن بگونه ایی شتابنده در حال افزایش است. از نظر عالمان ژئواستراتژی و ژئوپلیتیک ، عدم وجود امنیت، ناپایداری سیاسی، رقابت تسلیحاتی، ناهمگونی قومی و فرهنگی، نابرابری اقتصادی، عدم توزیع یکنواخت منابع انرژی و نفوذ قدرت های فرامنطقه ایی، از مهمترین مولفه های تاثیر گذار در آینده منطقه می باشند. چارچوب پیچیده ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیک منطقه اقیانوس هند با در نظر گرفتن منافع ملی، بلندپروازی ها، استراتژی و قابلیت های کشورهای منطقه و آرایش جغرافیایی آنها قابل درک می باشد.

اگرچه راه های دسترسی قدرت های فرامنطقه ایی به منطقه اقیانوس هند محدود است، اما تحرک در آن بسهولت بسیار انجام می پذیرد. در قرن بیستم، ابر قدرت ها از این عامل برای اعمال قدرت در

منطقه استفاده نمودند. این مسئله با توجه به جنگهای آمریکا در افغانستان و عراق، حضور نیروی دریایی چین و تقویت قدرت دریایی هندوستان، پاکستان و استرالیا و اندونزی، همچنان ادامه دارد.

ضریب پایین توسعه انسانی بیانگر این واقعیت است که امر توسعه همچنان بعنوان یک مسئله بغرنج در منطقه مطرح خواهد ماند. زمانی این نکته نمایان تر خواهد شد که دریابیم در بیش از نیمی از کشورهای منطقه ضریب فقر انسانی بیش از ۳۰٪ است.

در حالیکه جمعیتی انبوهی در شرایط بسیار دشوار زندگی می کنند، بسختی می توان آرامش و امنیت را در منطقه تصور نمود. این وضعیت نه تنها به بی ثباتی سیاسی منجر خواهد گردید بلکه شرایط را برای تخریب محیط زیست و در نهایت وخیم تر شدن اوضاع فراهم خواهد آورد.

ضعف سیاسی برخی دول در حفظ مرزهای سرزمینی، منابع طبیعی و نیروی انسانی، عدم توزیع یکنواخت فرصت های اقتصادی و رشد فعالیت گروه های مسلح تروریستی نیز از دیگر عوامل بی ثباتی و ناامنی بشمار می روند.

از نقطه نظر فرهنگی؛ ملی گرایی، قومیت گرایی، ایدئولوژی های متنازع و عدم انطباق نقشه سیاسی و اجتماعی- فرهنگی، نیز زمینه را برای بی ثباتی و ناامنی منطقه مساعد نموده اند. از طرفی این منطقه بصورت میدان رزم بین جهادیون منطقه ای و نیروهای فرامنطقه ایی در آمده است.

تا آینده قابل پیش بینی منطقه شاهد بی ثباتی خواهد بود. منابع نفت و گاز و مسیر دریایی آنها، بنیادین ترین عنصر در ژئواستراتژی منطقه محسوب می گردند. تمرکز منابع عظیم انرژی در منطقه ایی محدود و کم جمعیت، بی بهرگی مناطق بزرگ با جمعیتی عظیم و نیاز

روز افزون غرب و آسیای شرقی به این منبع حیاتی، عواملی سرنوشت ساز در تعامل و رویارویی قدرتهای فرامنطقه ایی و منطقه ایی می باشند. (منبع ۲)

قدرت های اقتصادی منطقه یعنی هندوستان، استرالیا، اندونزی، سنگاپور، تایلند، مالزی، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی و ایران، سه چهارم تولید ناخالص ملی و صادرات منطقه را بخود اختصاص می دهند. (جدول ۱)

با در نظر گرفتن ویژگی های اقیانوس هند، پیش بینی می گردد در میان مدت، مسئله بی ثباتی و نا امنی از مسائل چالش برانگیز منطقه خواهد بود. (منبع ۳)

بطور خلاصه عوامل بی ثباتی و نا امنی عبارتند از:

- رویارویی جهادیون منطقه ایی و صلیبیون فرامنطقه ایی)
- تروریسم)
- فعالیت های غیر قانونی (دزدی دریایی، قاچاق مواد مخدر و سلاح)
- دخالت نیروهای بیگانه)
- عدم توزیع یکنواخت منابع انرژی)
- مسئله آب)
- فقر)
- عدم توسعه انسانی)
- تخریب محیط زیست)
- تنوع گسترده قومی و فرهنگی)
- عدم توسعه سیاسی)
- رقابت و تنازع قدرت های منطقه ایی و فرامنطقه ایی)

۴- بازیگران منطقه ایی قدرت در شمال اقیانوس هند:

مثلت چین- پاکستان- هند آرایش اصلی ژئواستراتژی دریای عرب را تشکیل می دهد. از این منظر دریای عمان تحت تاثیر تعامل و تقابل این نیروها قرار دارد.

فضای ژئوپلیتیکی شمال اقیانوس هند شاهد ارتقاء روز افزون توان دریایی این مثلث است و تسلط تک قطبی آمریکا در منطقه به چالش کشانده شده است.

آمریکا برای حفظ توازن قوا، نظام چندقطبی را در ترتیبات امنیتی اقیانوس هند بعنوان واقعیت پذیرفته است. در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۵، نخست وزیر هندوستان، مان موهان سینگ و جورج بوش موافقتنامه همکاری دفاعی ۱۰ ساله را به امضاء رساندند.

هندوستان بعنوان قدرتمندترین کشور منطقه، برای ایجاد توازن قوا، مهار چین و همچنین برخورد با افراط گرایی ناشی از بی ثباتی در پاکستان، فضای ژئوپلیتیکی خود در اقیانوس هند را از مالزی و اندونزی در جنوب شرقی آسیا، دریای عرب در شمال تا عدن در غرب و موریس و سیشل در جنوب، تعریف نموده است.

این کشور برای افزایش حضور قدرتمند خود در اقیانوس هند، پروژه مرغ دریایی^۱ را در کاروار^۲ واقع در ایالت کارناتاکا، برای ایجاد سومین منطقه دریایی بعد از بمبئی و ویشاکاپاتنام با هزینه ایی بالغ بر ۸/۱۳ میلیارد دلار، در دست اقدام دارد. پس از تکمیل فاز سوم این پروژه، علاوه بر یک گروه رزمی هواپیمابر، ۴۲ فروند ناو و زیردریایی در آن مستقر خواهند شد.

^۱ - Seabird

^۲ - Karwar



هدف هند از توسعه نیروی دریایی را می توان از بلند پروازی آن کشور در تاثیر بر مسیرهای دریایی تجارت جهانی ، نفوذ در کشورهای منطقه ، توازن قوا در مقابل حضور روزافزون چین در دریای عرب و مهار پاکستان استنباط کرد. (منبع ۴)

چین بعنوان دیگر بازیگر قدرت در منطقه، طرح های بلندمدت را برای حضور دریایی در منطقه شمال اقیانوس هند در دست دارد. برای چین، دریای عرب و دریای عمان مسیری حیاتی برای دسترسی به منابع انرژی منطقه خلیج فارس محسوب می گردند. از اینرو نگران تاثیرگذاری قدرت دریایی هندوستان در این منطقه می باشد. چین در سال ۲۰۰۱ برای استفاده از پایگاه دریایی پاکستان در گوآدار^۱ با این کشور به توافق رسید.

برای چین ائتلاف با پاکستان از سه منظر اهمیت دارد:

- ۱) امنیت مسیر دسترسی به انرژی از طریق پاکستان و دریای عرب بسوی دریای عمان و خلیج فارس.
- ۲) توازن قوا در مقابل آمریکا در آسیای میانه و آسیای جنوبی.
- ۳) مقابله با تسلط مطلق هندوستان در دریای عرب .

سامانه امنیتی اقیانوس هند و بویژه بخش شمالی آن در دریای عرب و دریای عمان در حال گذار به نظم نوین می باشد. مسابقه تسلیحاتی ، ارتقاء توان دریایی قدرت های منطقه ایی و افزایش حضور قدرت های فرامنطقه ایی، احتمال محاسبات غلط و وارد شدن آنها در یک دومینوی مخرب را افزایش داده است.

اصطکاک علائق استراتژیک و تضاد منافع رئوس این مثلث قدرت، در دریای عرب و دریای عمان عینیت می یابد و رقابت بازیگران قدرت

منطقه ایی و روابط سیال و ابهام آلود آنها با ابر قدرت آمریکا، دورنمای امنیت در حوزه خلیج فارس و دریای عمان را تیره نموده است.

از سوئی دیگر، حضور نیروی دریایی قدرت های منطقه ایی و فرامنطقه ایی و ابعاد جهانی اهمیت خلیج فارس در آینده قابل پیش بینی، عاملی دیگر در بی ثباتی است.

رقابت دریایی چین و هند در توسعه پایگاه های دریایی در گوآدار و کاروار و افزایش چگالی شناورها و زیردریایی های هردو کشور بعلاوه آمریکا و پاکستان، برخوردهای دریایی را در منطقه شمال دریایی عرب و دریای عمان اجتناب ناپذیر نموده و امنیت خطوط انتقال انرژی به جنوب و شرق آسیا و همچنین تجارت جهانی را بخطر خواهد افکند. (منبع ۵)

۵- رویکرد راهبرد دریایی ایران :

درک مسایل نظامی و استراتژیکی در نظم نوین جهانی بسیار حائز اهمیت می باشد. تغییرات بنیادین جهانی پس از جنگ سرد و پیروزی ابر تمدن دریایی باعث شده تا توجه استراتژیستها ، فرماندهان و اندیشمندان علوم نظامی ، بیش از پیش به قدرت دریایی و استراتژی کلان دریایی معطوف گردد.

مرز دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان درپچه ایی بسوی دیگر بخش های کره زمین و فصل مشترک آن با دیگر کشورها برای اندرکنش با مردم جهان می باشد.

عناصر اصلی اثر گذار در قدرت دریایی هر کشوری بستگی به موقعیت جغرافیایی، وسعت و هندسه نوار ساحلی، حجم تجارت دریایی، تهدیدات بالقوه، بلندپروازی کشورهای منطقه و سرانجام جمعیت ، اراده مردم و رهبران آن برای گسترش قدرت و نفوذ خود در صحنه قدرت بین المللی دارد.

نوار ساحلی طولانی و بندرگاه های مناسب در کرانه های جنوبی کشورمان امتیازی منحصر بفرد برای تجارت جهانی است. بنابراین، حضور قدرتمند دریایی در این منطقه از الزامات حیاتی در گسترش حوزه ژئوپلیتیکی کشورمان می باشد.

نیاز به حفاظت از خطوط مواصلاتی، بندرگاه ها و آزادی تجارت برای بقا و توسعه این منطقه که در معرض حضور و نفوذ قدرت های فرامنطقه ایی و منطقه ایی برخوردار از نیروی دریایی نیلگون^۱ قرار دارد، بر اهمیت دریا های ایران می افزاید.

ایران بدون رویکرد دریایی در تعریف اولویت های ژئوپلیتیکی خود، بصورت یک کشور ضعیف و محصور در خشکی در خواهد آمد و بدین ترتیب دهلیز تنفسی آن بسته و پویایی حیاتش در جهان متغیر و رقابت آمیز کنونی، کاهش خواهد یافت. ازاینرو، ایران می بایست با وسعت حوزه نفوذ قدرت دریایی از خلیج فارس به دریای عرب، فضای ژئوپلیتیکی خود را بسوی اقیانوس هند گسترش دهد.

اهمیت ژئوپلیتیکی دریا های ایران، بعنوان دهلیز دسترسی به منابع عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس، از چارچوب منطقه ایی فراتر می رود و ابعاد جهانی به خود می گیرد. بنابراین رویکرد توازن قوا، بجای ورود به ائتلاف های سیال و شکننده نظامی با قدرت های منطقه ایی، بهترین گزینه برای کشورمان است.

از سویی دیگر، بدلیل واگرایی تاریخی کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس و ضعف ذاتی آنها، ایران می بایست از هرگونه اتحاد با آنها در ترتیبات امنیتی منطقه پرهیز نموده و خود به تنهایی نقش متعادل کننده قوا را بعهده گیرد.

مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان در فضای ژئوپلیتیکی ایران قرار گرفته و می بایست تلاش قدرت های منطقه ایی برای نفوذ به آن را مهار و خنثی نماید. (منبع ۶)

۶- نیروی دریایی (قهوه ایی یا نیلگون؟) :

نیروی دریایی اصلی ترین ابزار هر ملت برای گسترش نفوذ خود در دریاها میبا شد، لذا همواره بهره گیری از نیروی دریایی قدرتمند مورد توجه رهبران کشورهای دریایی بوده است.

در تنازع بقاء، با برتری ابرتمدن دریایی بر ابرتمدن قاره ایی، کشورهای دریایی برای گسترش و تحکیم قدرت خود در ابعاد جهانی و منطقه ایی، هر چه بیشتر به نیروی دریایی متکی گردیده اند. ازاینرو فضای ژئوپلیتیک دریایی ایران بعنوان سر پل امنیتی اقیانوس هند، با چالش های فزاینده روبرو خواهد گردید.

در ترمینولوژی راهبرد دریایی، ماموریت نیروی دریایی قهوه ایی، محدود به نوار ساحلی است، در حالیکه حوزه نفوذ نیروی دریایی نیلگون، تا عمق اقیانوس گسترش می یابد. حال باید دید که کدامیک از این دوگزینه برای کشورمان مناسب تر است.

خلیج فارس و دریای عمان درحوزه ژئوپلیتیکی ایران قرار گرفته و بار اصلی حفظ امنیت آنها را عهده دار است. ازاینرو، افزایش توان رزمی نیروی دریایی، آفرینش قدرت دریایی نیلگون و سیادت دریایی، برای حفظ موقعیت کشورمان بعنوان ابرقدرت منطقه حیاتی است.

با نگرش به آنچه بیان شد،نیروی دریایی در حفظ امنیت این منطقه با چالشهای نوینی روبرو خواهد گردید و سامانه های موجود آن دیگر جوابگوی نیازهای امنیتی ایران در این منطقه نخواهند بود. بنابراین ، ضروری است تا با رویکردی نوین نسبت به مقوله قدرت و استراتژی

دریایی، تلاشی خستگی ناپذیر برای حضوری قدرتمند در اقیانوس هند آغاز گردد.

نیاز به دگرذیسی درنگرش به نقش نیروی دریایی در حفظ امنیت کشورمان، جنگهای نوین دریایی و مسائل ژئوپلیتیکی منطقه اقیانوس هند از الزامات حیاتی درآفرینش قدرت دریایی برتر و نیروی دریایی کیفی، حرفه ای، پویا و توانمند می باشد. در پیشروی بسوی خلق نیروی دریایی نوین، با طرحریزی کلان، ترسیم هدف، نگاه مداوم به برنامه، ایجاد تصحیحات و بهینه سازی مستمر، پیشبرد مولفه های کلیدی تاثیرگذار با نیروی رانش خرد و تحقیقات بنیادین، میتوان به موفقیت رسید. (منبع ۷)

با شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدات، میبایست همواره با هوشمندی و بهره گیری از نیروی انسانی کارآمد و فناوریهایی نوین، توان رزمی نیروی دریایی افزایش یابد، تا نقاط قوت تقویت، از فرصتها بهره گیری و نسبت به برطرف نمودن نقاط ضعف و خنثی نمودن تهدیدات بگونه ایی هدفمند، در راستای منافع ملی کشورمان گام برداشت.

۷- نتیجه :

تحولات شتاب آلود کنونی و پیدایش اولین بارقه های نظم نوین جهانی چالشهای فراوانی را پیش روی بازیگران قدرت در اقیانوس هند نمایان می سازد.

مثلث چین- پاکستان- هند آرایش اصلی ژئواستراتژی دریایی عرب را تشکیل می دهد. از این دیدگاه، دریای عمان تحت تاثیر تعامل و تقابل این نیروها قرار دارد.

اصطکاک علائق استراتژیک و تضاد منافع رؤس این مثلث قدرت، در دریای عرب و دریای عمان عینیت می یابد و رقابت بازیگران قدرت منطقه ایی دورنمای امنیت در حوزه خلیج فارس را تیره نموده است. از سویی دیگر، حضور نیروی دریایی قدرت های منطقه ایی و فرامنطقه ایی و ابعاد جهانی اهمیت خلیج فارس در آینده قابل پیش بینی، عاملی دیگر در بی ثباتی می باشد.

با شکست ابر تمدن قاره ایی و پیروزی ابر تمدن دریایی، در نظم نوین جهانی، "زمیندل" به عرض های جغرافیایی جنوبی انتقال یافته است و از اینرو در جهان کنونی سهولت تحرک در دریا و سیادت دریایی مافوق قدرت قاره ایی محسوب می گردد.

خلیج فارس و دریای عمان دریچه ایی بسوی سایر بخش های جهان و واسط میانجی برای اندرکنش با مردم جهان می باشد. نوار ساحلی طولانی و بندرگاه های مناسب کشورمان، امتیازی منحصر بفرد را برای تجارت جهانی فراهم می سازد.

بنابراین، حضور قدرتمند دریایی در این منطقه از الزامات حیاتی در گسترش سپهر ژئوپلیتیکی کشورمان است.

نیاز به حفاظت از خطوط مواصلاتی، بندرگاه ها و آزادی تجارت برای بقاء و توسعه این منطقه که در معرض رویارویی قدرت های فرامنطقه ایی و منطقه ایی برخوردار از نیروی دریایی نیلگون قرار دارد، بر اهمیت رویکرد دریایی می افزاید.

ایران بدون نگرش دریایی در تعریف اولویت های ژئوپلیتیکی خود، بصورت یک کشور ضعیف و محصور در خشکی در خواهد آمد و بدین ترتیب دهلیز تنفس آن بسته و پویایی حیاتش در جهان متغیر و رقابت آمیز کنونی، کاهش خواهد یافت.

از اینرو، ایران می بایست با وسعت حوزه نفوذ قدرت دریایی خود از خلیج فارس به دریای عرب، فضای ژئوپلیتیکی خود را بسوی اقیانوس هند گسترش دهد.

اهمیت فضای ژئوپلیتیکی دریایی برای ایران، بعنوان دهلیز دسترسی به منابع عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس، از چارچوب منطقه ایی فراتر می رود و ابعاد جهانی به خود می گیرد. از اینرو ایران می بایست، بجای ورود به ائتلاف های سیال و شکننده نظامی با قدرت های منطقه ایی، رویکرد توازن قوا را برگزیند.

مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان در فضای ژئوپلیتیکی ایران قرار گرفته و بار اصلی حفظ امنیت این منطقه را عهده دار است. بنابراین با افزایش توان رزمی نیروی دریایی، آفرینش قدرت دریایی نیلگون و سیادت دریایی می بایست تلاش قدرت های منطقه ایی برای نفوذ به آن مهار و خنثی گردد.

نیاز به دگرذیسی در رویکرد به نقش نیروی دریایی در حفظ امنیت کشورمان، جنگهای نوین دریایی و مسائل ژئوپلیتیکی منطقه اقیانوس هند، از الزامات حیاتی در آفرینش قدرت دریایی برتر و نیروی دریایی کیفی، حرفه ایی، توانمند و بالنده می باشند.

با رویکرد راهبرد دریایی، سیادت دریایی ایران تضمین می گردد و بدین ترتیب دهلیز تنفس آن گسترش یافته و پویایی حیاتش در جهان متغیر و رقابت آمیز کنونی، افزایش خواهد یافت.

از اینرو، بایسته است تا کشورمان با افزایش قدرت دریایی، فضای ژئوپلیتیکی خود را بسوی دریای عرب و سپس اقیانوس هند گسترش دهد.

منابع :

۱- مهرداد محمودی، "ژئواستراتژی نوین آمریکا در اوراسیا"، فصلنامه علمی دافوس، پاییز ۱۳۸۲

2- Christian Bouchard ,Geographical Setting of the Indian Ocean,Department of Geography, Laurentian University, Sudbury (Ontario, Canada),Nov 2002

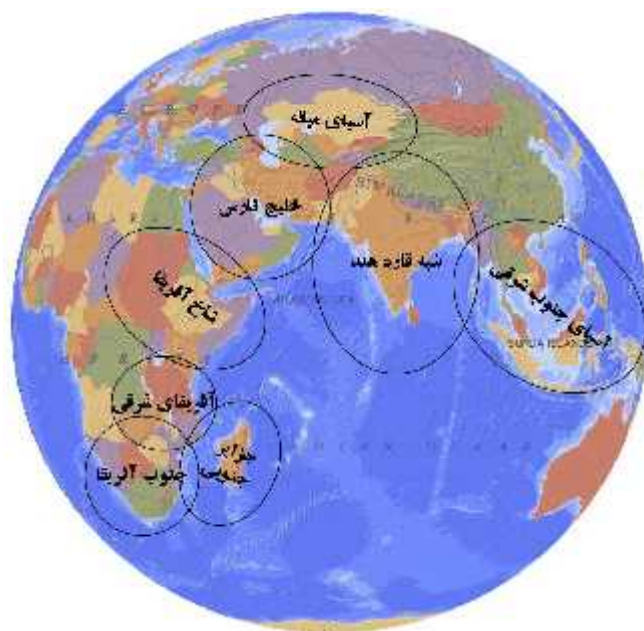
3- G.Parthasarathy,Riding the waves,The Indian Express,22/09/2003

4- Adam Wolfe, Yevgeny Bendersky and Federico Bordonaro, New Delhi's new diplomacy,Asia Times, 21 July 2005

5- Vijay Sakhuj, Research Fellow, Cold War in the Arabian Sea, IDSA,2001

۶- مهرداد محمودی، پایان نامه کارشناسی ارشد

۷- مهرداد محمودی ، "جنبش نرم افزاری در نداجا" ، فصلنامه پژوهشی دافوس، تابستان ۱۳۸۴



شکل ۱

مناطق ژئوپلیتیکی اقیانوس هند

قدرت اقتصادی (میانگین هر سه شاخص قید شده)	درصد از صادرات منطقه ایی	درصد از GNP منطقه ایی (بر مبنای قدرت خرید)	درصد از GNP منطقه ایی	
17,34	5,10	30,50	16,41	هندوستان
10,56	8,89	7,11	15,68	استرالیا
9,13	7,78	10,87	8,73	اندونزی
8,69	20,31	1,66	4,09	سنگاپور
7,21	8,19	6,66	6,78	تایلند
6,54	11,79	3,89	3,93	مالزی
6,24	9,47	3,36	5,90	عربستان
5,06	4,55	5,25	5,39	آفریقای جنوبی
4,68	1,94	6,13	5,98	ایران
75,44	78,01	75,43	72,89	کل

جدول ۱